

تأثیر قرآن و حدیث در مثل های فارسی

مهدی سلطانی رنانی

یکی از سرچشمه های مثل در تمام دنیا، متون مقدس و دینی و جملات و اعظان و انبیا و مقدسان و عارفان است. تأثیر ادبیات دینی در مثل های فارسی نیز، چه آنچه از قبل از اسلام بازمانده و چه آنچه پس از اسلام ساخته شده، پیداست. از جمله، مظاهر این تأثیر در آیات قرآن و احادیث است، که در این نوشتار به نمونه هایی از آن اشاره می گردد.

الف - قرآن کریم

تأثیر آیات قرآنی در مثل ها به سه گونه است

۱. استفاده از عین آیه به عنوان مثل:

- ﴿لا اکراه فی الدین﴾ در دین هیچ اجباری نیست. (سوره بقره، آیه ۲۵۶)

- ﴿هل جزاء الاحسان الا الاحسان﴾ پاداش احسان جز احسان است؟ (سوره رحمن، آیه ۶۰)

۲. گاه بخشی از آیه عیناً آورده می شود؛ مثل:

گنجشک یک پولی انا اعطینا نمی خواهد.^۱

اشاره است به آیه شریفه ﴿انا اعطیناک الکوثر﴾ (سوره کوثر، آیه ۱)

گنجشک یک پولی انا انزلنا نمی خواند.^۲

اشاره است به آیه شریفه ﴿انا انزلناه فی لیلۃ القدر﴾ (سوره قدر، آیه ۱)

جا به جا کنعبد، جا به جا کنستعین.

اشاره است به آیه شریفه ﴿ایاک نعبد و ایاک نستعین﴾ (سوره حمد، آیه ۵)

«بسم الله...» اش را گفتی تا ﴿ولا الضالین﴾ خیلی راه است.^۳

هرکه با «بسم الله» جلو آمد، با «أعوذ بالله» نگاهش کن.

۳. گاهی نیز به طور غیر مستقیم به مفهوم آیه ای اشاره دارد:

به جرم عیسی، موسی را مگیر. اشاره است به آیه ﴿ولاتزر وازرة وزر اخرى﴾ (سوره انعام، آیه ۱۶۴)

عیب من جمله بگفتی هنرش نیز بگو.^۴ اشاره است به آیه ﴿ومنافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما﴾

(سوره بقره، آیه ۲۱۹)

عیسی به دین خود، موسی به دین خود.^۵ اشاره است به آیه ﴿لکم دینکم ولی دین﴾ (سوره کافرون، آیه ۶)

کسی را به گور دیگری نمی گذارند. ۶ اشاره است به آیه ﴿ولا تزر وازرة وزر

اخری﴾ (سوره فاطر، آیه ۱۸)

از پس هر گریه آخر خنده ای است. اشاره است به آیه ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (سوره

انشراح، آیه ۴)

آتش که به بیشه افتاد، خشک و تر می سوزد.

اشاره است به آیه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ (سوره انفال، آیه ۲۵)

ب- احادیث

تأثیر احادیث در مثل ها به دو گونه است:

۱. استفاده از عین حدیث به عنوان مثل:

الخیر فی ما وقع

حب الوطن من الايمان

۲. استفاده از مفهوم حدیث:

با توکل زانوی اشتر ببند. ۷

دست خدا با جماعت است. ۸

اول ما خلق الهش خراب است. ۹

مؤمن آئینه مؤمن است. ۱۰

وقت گرفتن ناد علی است، وقت پس دادن مظهر العجایب. ۱۱

۱. گنجشک یک پولی انا اعطینا نمی خواهد.

مثل مذکور بدین مفهوم است که انسان های بیشتر از حد فقیر توجه کاملی به دینداری و ایمان ندارند. از جهتی نیز نمایان اگر این حدیث است که «کاد الفقران یكون کفراً»

۲. مثل دوم هم همین طور - به همان نکته فوق اشاره دارد.

۳. مثل سوم اشاره به این نکته دارد که انسان در همه مسائل و امور خود را دخالت نمی دهد و در زندگی باید برنامه ریزی صحیح داشته باشد. همچنین اشاره به این مضمون دارد که هر امری مسیر تعادل را باید مراعات نماید.

۴. دیوان حافظ.

۵. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، بخش مثل ها.

۶. دهخدا، همان.

۷. اشاره است به حدیث «اعقلها و التوکل».

۸. اشاره است به حدیث «ید الله مع الجماعة».

۹. اشاره است به حدیث نبوی «اول ما خلق الله العقل»

۱۰. ترجمه حدیث: «المؤمن مرأت المؤمن»؛ ر. ک: دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، بخش مثل ها.

۱۱. اشاره است به «ناد علیاً مظهر العجایب»